

# در بستر محفل

پرونده هفته

## تپش

۴ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم

چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۷۲

لیلا حسین‌زاده

تپش

هیچ‌کس تحمل اسارت پشت میله‌های زمخت و خاکستری زندان را ندارد، اما گاهی شرایطی ایجاد می‌شود که گذر برخی به عمد یا غیرعمد به زندان می‌افتد و گرفتار می‌شوند. در این میان عده‌ای همان یک بار به زندان رفتن، اولین و آخرین بارشان می‌شود و پس از آزادی راه و روش درست زندگی کردن را در پیش می‌گیرند، اما برای عده‌ای دیگر انتکار که زندان خانه و کاشانه است. یک بارشان می‌شود دو، سه و حتی چند بار و انگ سابقه‌دار به آنها زده می‌شود. این دسته اما در مواردی پا را فراتر گذاشته و پس از آزادی از زندان به جای یک زندگی سالم و بدون دغدغه، سراغ ارتکاب جرائم بسیار بزرگ و حتی غیرقابل بازگشت مانند قتل می‌روند که خط پایانی جز پایان زندگی و مرگ ندارد. در این گزارش مروری داریم به برخی از جنایت‌هایی که توسط برخی زندانی‌ها و پس از آزادی انجام شده و همچنین دلایل وقوع آن را بررسی کردیم.

## قتل یک ساعت پس از آزادی از زندان

آبان‌ماه ۱۴۰۲ در حالی که خانواده یک فرد زندانی از آزاد شدن او خوشحال بودند اما او افکار دیگری در سر می‌پروراند. هنوز یک ساعت از آزادی مرد تبهکار نگذشته بود که هنگام عبور از خیابان کشاورزی در اصفهان متوجه سمند روشن در حاشیه خیابان کشاورزی در اصفهان شد و در یک لحظه فکر سرقت به ذهنش خطور کرد. راننده سمند به مغازه لوازم یدکی رفته بود اما پس از خرید و خروج از مغازه متوجه مرد ناشناسی شد که در حال بردن خودرویش بود. راننده ۴۵ساله میانسال برای جلوگیری از سرقت خودرویش به سرعت از در سمت شاگرد راننده وارد و با سارق درگیر شد. سارق خودرو که دستپاچه شده بود، شروع به انجام حرکات نمایشی کرد که نتیجه فاجعه‌باری به همراه داشت. راننده نگویندخت در اثر رانندگی دیوانه‌وار سارق با خودروهای پارک‌شده در حاشیه خیابان برخورد و به شدت مجروح شد و سارق از محل گریخت.

## جنایت دوزخ پس از آزادی

به نام بابک نام برد که از مدت‌ها پیش و به دلیل سرقت از خانه به زندان افتاده بود. دو روز قبل از وقوع جنایت بابک از زندان آزاد شد و به محض آزادی با رضا تماس گرفت و از او خواست تا به سرعت خودش را به او برساند. وقتی رضا نزد بابک رفت، با بدن نیمه‌جان مردی مواجه شد. به گفته رضا؛ بابک و مرد نیمه‌جان گویا از قبل با هم اختلاف داشتند که منجر به درگیری شد و بابک او را هدف ضربات چاقو قرار داد. رضا و بابک مرد نیمه‌جان را مقابل بیمارستان برده و همان‌جا رها کردند. رضا گفت هیچ نقشی در ارتکاب قتل مرد غریبه نداشته است. با شناسایی هویت عامل جنایت، قاتل دستگیر و در اختیار پلیس قرار گرفت.

۲۶ فروردین امسال، دو مرد موتورسوار در مقابل بیمارستانی در جنوب تهران توقف کرده و مردی زخمی را همان‌جا رها کردند. عابران با دیدن این صحنه با اورژانس تماس گرفته و درخواست کمک کردند. مرد زخمی به بیمارستان منتقل شد اما لحظاتی بعد و در اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد. گزارش این جنایت به پلیس جنایی اعلام و در بررسی شماره پلاک موتورسیکلت، هویت مالک موتور به نام رضا مشخص و وی بازداشت شد. او در بازجویی‌ها از دوستش

## چرا بعد از آزادی مرتکب جرم نشود؟!

نگارشناس نظر

موضوع مهم دیگر و به خصوص در مورد افرادی که سابقه ارتکاب جرم و زندانی شدن ندارند، مواجهه با نظام عدالت کیفری اعم از پلیس، قاضی، مسئولان زندان و رفتارهایی است که فرد در طول این روند با آنها مواجه می‌شود. این رفتارها هم می‌تواند هویت مجرمانه را در وی شکل داده و تشدید کند؛ به‌ویژه اگر در سنین جوانی باشد و خشم مضاعفی از جامعه‌ای که در حال حاضر نظام عدالت کیفری به نمایندگی از آن در مقابلش ایستاده است، داشته باشد. زندان می‌تواند فرصتی باشد که خشم یا نفرتی کوچک تقویت شود و مجالی برای رشد و برنامه‌ریزی و نقشه‌کشیدن برای ابزار آن فراهم کند؛ بنابراین با در نظر گرفتن مجموع این عوامل، دیگر از این‌که بشنویم یا بخوانیم فردی پس از آزادی از زندان بلافاصله مرتکب جرم شده است، تعجب نخواهیم کرد.

از بُعد احتمال ابتلا به اختلالات روانی در این افراد، کسی که یک بار مرتکب جرم شده و به زندان افتاده ممکن است زمینه‌ها و ریشه‌های اختلالات روانی را داشته باشد و طبیعی است که این موارد هم اثرگذار است اما نباید تک‌عاملی به مسئله نگاه کرد، زیرا عوامل متعددی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا جرمی واقع شود. نسبت دادن موضوع صرفاً به اختلالات روانی به نظرم پاک‌کردن صورت مسئله و نادیده‌گرفتن مسئولیت خودمان است.

برای بررسی راهکار جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط این افراد، ابتدا باید مجرمان اتفاقی را از مجرمان حرفه‌ای تفکیک کنیم. برای یک مجرم حرفه‌ای، زندان اساساً بخشی از زندگی‌اش محسوب می‌شود و آنها به‌طور مکرر دوره‌هایی را در داخل و خارج زندان می‌گذرانند و با این روش به زیست خود ادامه می‌دهند.

اما در مورد کسی که برای بار اول محیط زندان را تجربه می‌کند، موضوع متفاوت است. تحمل حبس موجب از بین رفتن حس

اتفاقی، جرم‌اولی یا حرفه‌ای باشد که چند عامل در بروز این مسئله موثر است. یک عامل مهم این است که فرد در زندان مدتی با سایر افراد مجرم معاشرت داشته و صرف این معاشرت و ارتباط می‌تواند او را به سمت تداوم ارتکاب اعمال مجرمانه سوق دهد. از سوی دیگر فرد محکوم، عده‌ای خاص از جمله شاکی را که به نحوی باعث به زندان رفتنش شده‌اند و نیز جامعه را مسئول و مقصر رنجی که تحمل کرده، قلمداد می‌کند. به همین دلیل، کینه و حتی نفرت می‌تواند در وجود فرد شکل گرفته و او را پس از آزادی از زندان به انتقام‌گیری از جامعه یا افراد خاص ترغیب کند.



از دیدگاه پیامدگرا، هدف مجازات ناظر به آینده است. ابتدا از حیث فایده‌اش برای اجتماع و دوم فوایدی که به جهت اصلاح، درمان و بازسازی برای خود مجرم و اطرافیانش خواهد داشت. در دوره‌ای طولانی از تاریخ تمدن بشری، حفاظت از جامعه در برابر مجرم و پیشگیری از تکرار جرم با حذف مجرم یعنی مجازات اعدام یا دست‌کم تبعید یعنی اخراج از جامعه انجام می‌شد و در نهایت زندان هم به این موارد اضافه شد. در واقع مجازات حبس به شکلی که امروزه آن را می‌شناسیم، مجازاتی جدید محسوب می‌شود. هدف مجازات حبس نیز در ابتدا همان سزا دادن مجرم بود اما به‌تدریج به روشی برای اصلاح و بازسازی تبدیل شد.

با در نظر گرفتن این مقدمه اجازه دهید این پرسش را که چرا کسی بلافاصله پس از آزادی از زندان مرتکب جرم می‌شود، این‌طور مطرح کنیم که چرا یک نفر پس از آزادی مرتکب جرم نشود؟!

مجرمی که تحمل کیفر کرده و پس از آزادی از زندان مجدد مرتکب جرم می‌شود، ممکن است جزو مجرمان